



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیمسال دوم ۹۷-۹۶

رشته‌های تفسیر، تاریخ، کلام، اخلاق، امامت و مهدویت و ادبیات عرب ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

دست‌نویس: ۹ صبح	نمره: ۱۴	مدت‌نگین: ۷۰ دقیقه
دست‌نویس: ۹ صبح	نمره: ۱۶	مدت‌نگین: ۸۰ دقیقه

شماره‌نامه‌ی اصل	نوع‌درد	نوع‌درد
شماره‌نامه‌ی صحیح دوم	نوع‌درد	نوع‌درد

کتاب: ۳۹۶۲/۱۱
موضوع: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲
موضوع: اصول فقه ۴
کتاب: اصول فقه مرحوم مظفر
موضوع: جلد سوم و چهارم: از ابتدای «الباب الخامس: حجیه الظواهر» تا پایان بحث تعادل و تراجم (ص ۲۶۳-۱۴۳) به استثنای مباحث التهره (ص ۱۷۳-۱۶۷)، السیره (ص ۱۸۲-۱۷۵) و القیاس (ص ۲۰۸-۱۸۳)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد پستی: مدرس علمیه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- به نظر مصنف بازگشت تمام اصول وجودیه به کدام اصل است؟ ص ۱۵۷

- الف. اصالة عدم القرینة
- ب. اصالة الحقیقة
- ج. اصالة الظهور
- د. اصالة العموم

۰/۵

۲- حکم «إذا تعادل المتزامان فی جميع جهات الترجیح» و حاکم به آن حکم به ترتیب کدام گزینه می‌باشد؟ ص ۲۱۶

- الف. التساقط - العقل العملي
- ب. التساقط - العقل النظري
- ج. التخییر - العقل النظري
- د. التخییر - العقل العملي

۰/۵

۳- کدام گزینه در مورد «شهرت فتواییه قدیمه» به نظر مصنف صحیح است؟ ص ۲۵۳

- الف. یعلم فیہ ان مستندھا خبر خاص موجود بین ایدینا
- ب. الظنّ الناشئ منها غیر معتبر الا اذا كان لنا قویا
- ج. انها موجبة لجبر الخبر الضعیف من جهة السند
- د. ادلة حجیة خبر الواحد تدل علی حجیة مثلها

۰/۵

۴- ترجیح به صفات راوی، داخل در کدام یک از مرجحات است؟ ص ۲۵۶

- الف. مرجح جهت صدوری
- ب. مرجح صدوری
- ج. مرجح مضمونی
- د. مرجح جهتی

۲

۵- از نظر مصنف، اقرب وجوه در اثبات حجیت قول لغوی چیست؟ توضیح دهید. ص ۱۵۰ - ۲ نمره

جواب: به نظر ایشان دلیل بر آن، حکم عقل است. زیرا در امور تخصصی، عقل به رجوع جاهل به عالم مورد وثوق حکم می‌کند، پس ناگزیر باید شارع نیز به آن حکم کند، زیرا این حکم عقلی از آراء محموده‌ای است که آراء عقلا بر آن توافق دارد، و شارع نیز از ایشان بلکه رئیس ایشان است.

۶- با توجه به عبارت «نسب الی جماعة من الاخباریین القول بعدم حجیة ظواهر الكتاب لقول النبی (صلی الله علیه و آله): من فسّر القرآن برأیه

۲

فلیتوباً مقعده من النار» جواب مصنف از دلیل مذکور را بیان کنید. (دو مورد) ص ۱۶۵ - ۲ نمره

جواب: الف. تفسیر قرآن غیر از اخذ به ظاهر آن است، و اخذ به ظاهر را تفسیر نمی‌گویند. ب. مقتضای جمع میان مثل این روایت و اخباری که اخذ به کتاب و مراجعه به آن را روا می‌شمارد، آن است که بگوییم مقصود از تفسیر به رأی - برفرض که شمول آن نسبت به اخذ به ظاهر را بپذیریم - شتاب کردن در اخذ به ظاهر براساس اجتهادهای شخصی و بدون جستجو و بدون پیشینه معرفت و تدبّر و تحقیق است، چنان‌که تعلیلی که در بعضی از این روایات آمده که در آن ناسخ و منسوخ و عام و خاص است، همین معنا را افاده می‌کند.

۲

۷- چهار شرط از شروط تحقق تعارض را بنویسید. ص ۲۱۲ تا ۲۱۴ - ۲ نمره

جواب: ۱. یکی یا هر دو دلیل قطعی نباشد. ۲. ظن فعلی، معتبر در حجیت هر دو نباشد. ۳. مدلول آن دو با هم تنافی داشته باشند خواه تنافی در مدلول مطابقی باشد خواه در تضمینی و خواه در التزامی. ۴. هر دو دلیل واجد شرایط حجیت باشند. ۵. دو دلیل متزاحم نباشند. ۶. یکی از دو دلیل حاکم بر دیگری نباشد. ۷. یکی از دو دلیل وارد بر دیگری نباشد.

۸- اگر مولی بعد از امر به اکرام همه‌ی علماء بگوید: «لا تکرّم الفساق» یا بگوید: «العالم الفاسق لیس بعالم» مخصص یا حاکم بودن هر

۲

کدام از نهی و نفی، با ذکر دلیل تبیین کنید. ص ۲۲۴ - ۲ نمره

جواب: اگر بگوید لا تکرّم الفساق، مخصص است، چون مفادش عدم وجوب اکرام فاسق است همراه با ابقاء صفت علم برای او، اما اگر بگوید العالم الفاسق لیس بعالم، این حاکم است، زیرا مفادش اخراج تنزیلی فاسق از صفت عالم است، به این که فسق را به منزله جهل تنزیل می‌کند و یا علم فاسق را به منزله عدم علم او.

۹- اگر بعد از حکم به تساقط به مقتضای قاعده اولیه در متعارضین، دلیل خاصی بر حجیت یکی از دو خبر، به جعل جدید اقامه شد، به نظر مصنف معنای این تخییر چیست؟ ص ۲۳۸ - ۲ نمره

 ۲

جواب: به نظر ایشان تخییر بین متعارضین از جهت حجیت و از جهت واقع، بی‌معناست. پس معنای تخییر اینست که هریک از دو دلیل متعارض، در صورتی که با واقع مطابق باشد، منجز واقع است و در صورتی که خطا باشد، معذر برای مکلف است و او مختار است هر کدام را که خواست انتخاب کند.

۱۰- سه نظریه در باب تعدی از مرجحات منصوصه را نام ببرید؛ و بیان کنید که نظریه مشهور کدام است؟ ص ۲۶۰ و ۲۶۱ - ۲ نمره

 ۲

جواب:
۱. وجوب تعدی به هر چیزی که موجب اقربیت به واقع می‌شود نوعاً (۰/۵ نمره) و قول مشهور همین است (۰/۵ نمره) ۲. وجوب اقتصار بر مرجحات منصوصه (۰/۵ نمره)
۳. تفصیل بین صفات راوی که تعدی از آنها جایز است، و بین غیرصفات راوی که تعدی جایز نیست. (۰/۵ نمره)

* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۱- با توجه به عبارت «قد یظنّ الظانّ أنّ إمكان الجمع التبرعی یحقّق قاعدة «أولوية الجمع من الطرح» إذ لا یحرز المانع - و هو تکاذب المتعارضین - حیثنّذ، فیکون الجمع أولى.» جمع تبرعی را تعریف کرده، توضیح دهید چگونه امکان جمع تبرعی، محقق قاعده‌ی فوق است؟ ص ۲۳۰ - ۲ نمره

 ۲

جواب: جمع تبرعی یعنی تأویل کیفی که عرف آن را نمی‌پذیرد و دلیل و شاهی هم بر صحت آن وجود ندارد؛ زیرا وقتی به هر نحو بتوان بین دو دلیل جمع کرد، تکاذبی باقی نمی‌ماند تا نوبت به تعارض و طرح احد الدلیلین برسد پس جمع اولی از طرح می‌شود و لو به نحو جمع تبرعی.